

تأثیر بحران مالی جهان بر ایران

## اقتصاد سیاسی ایران در بحران

مصاحبه اختصاصی ماهنامه «اقتصاد ایران» با دکتر محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، در رابطه با بحران مالی و اقتصادی جهان و تأثیر آن بر اقتصاد و سیاست در ایران



**اقتصاد ایران:** ارزیابی شما از ریشه‌های بحران کنونی آمریکا چیست؟  
این بحران به صورت بحران رهنی مسکن به ناکارآمدیها یا متقاضیان با ریسک‌های بالا (Subprime Mortgage Crisis) از سال ۲۰۰۷ شروع شد که طی آن به دنبال کاهش نرخ بهره در سال‌های ۲۰۰۷ - ۲۰۰۳ و ایجاد امکانات وسیع برای خرید خانه، متقاضیان زیادی به بانک‌ها برای دریافت این نوع وام‌ها مراجعه کردند، بانک‌ها بدون توجه به ریسک‌پذیری افراد و این که آیا آنها توان بازپرداخت این وام‌ها را دارند یا خیر، به آنها وام پرداخت نمودند. در این شرایط، افراد زیادی که بازپرداخت وام‌ها خارج از توانایی آنها بود، موفق به اخذ وام شدند. نتیجه این اقدام این شد که در سال ۲۰۰۷ شاخص داوجونز در اکتبر ۲۰۰۷ به ۱۴ هزار واحد رسید. در حالی که این اتفاقات، آغاز یک بحران جدید را در آینده متذکر می‌شدند. ولی در عوض، لایحه تأدیه مالیات توسط بوش که برای بازتوانی مردم بود، برای جلوگیری از سقوط بازار مسکن در آن سال ارایه شد. این بحران از مسکن به بانک‌ها و سپس به بازار سرمایه نفوذ کرد و در حقیقت سه موج این بحران تاکنون وجود داشته است.

**اقتصاد ایران:** احتمال می‌دهید که اگر این بحران طولانی‌تر شود، کشورهای درگیر نسبت به مسایل داخلی خودشان معطوف شوند یا برعکس ما را با تحریم‌های جدید روبه‌رو خواهند کرد؟  
چالش ایران با آمریکا، به خصوص در بُعد اقتصادی و با حضور و پیروزی هر یک از کاندیداهای ریاست جمهوری آمریکا، ادامه پیدا خواهد کرد. البته تحریم‌ها تا زمان وجود بحران، کم رنگ‌تر خواهند شد و این فرصتی برای تجار است. اما اگر این بحران پشت سر گذاشته شود، آمریکا راحت‌تر می‌تواند این تحریم‌ها را نظارت کند.

**اقتصاد ایران:** به نظر شما راهکار دفاعی ایران در مقابله با این بحران چیست؟  
اگر عمق بحران به گونه‌ای باشد که قیمت نفت از ۵۰ دلار پایین‌تر بیاید، دولت باید به دنبال راهکار مناسبی باشد تا سرمایه عظیمی را از اقتصاد بین‌المللی جذب کند. معمولاً همه متقاضی اوراق قرضه هستند، چون آن را دولت تضمین می‌کند و اطمینان بالایی دارد؛ ضمن این که قرضه در این شرایط جایگزین اوراق سهام نیز می‌باشد. ایران با توجه به این که در زمان آقای دکتر نوربخش در حد ۵۰۰ میلیون دلار اوراق قرضه منتشر کرده است، می‌تواند بار دیگر اوراق قرضه چاپ و آن را در خارج بفروشد. تضمین اصل و فرع سرمایه‌های خارجی در ایران و یا تأسیس بانک خارجی - خصوصاً بانک‌هایی که قبلاً متقاضی بودند - و تضمین سپرده‌های خارجی در ایران با توجه به پشتوانه نقدی آن، می‌تواند از جمله راهکارهای مبارزه با این بحران در ایران باشد.

اتخاذ سیاست‌های اقتصادی، در این شرایط که مدت بحران نامعلوم است نیاز به احتیاط بیشتر و دقت عمل کافی دارد. باید به این نکته نیز توجه کنیم که در شرایط بحران، تحریم‌ها نیز کم‌اثر می‌شوند، چراکه بنگاه‌ها به دنبال حفظ بازار خود هستند و به هر تقاضایی پاسخ می‌دهند. خیلی از تجار ایران با موقعیتی روبه‌رو شده‌اند که می‌توانند از این فرصت استفاده کرده و کالایی را که قبلاً دستیابی به آن سخت بود راحت‌تر تهیه کنند. لذا این فرصت می‌تواند برای سیاست‌گذاری تجاری ما نقطه قوتی باشد.

نکته مهم و قابل ذکر این است که تحول اقتصادی ایران با ابلاغ سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در کشور آغاز شد و با بحث طرح تحول اقتصادی دولت و تغییر نگرش‌هایی که در سطح نظام، نسبت به اقتصاد و میدان دادن به حضور فعال‌تر بخش خصوصی صورت گرفت، ادامه یافته است. ولی نباید فراموش کنیم که اگر کارهایی در دولت و حکومت انجام می‌شوند، باید با ارتقای ادبیات اقتصادی جامعه همراه باشد. مردم باید بیش از گذشته به مقولات اقتصادی بپردازند و معلومات اقتصادی خود را بالا ببرند. ما نمی‌توانیم از مردم بخواهیم وارد اقتصاد شوند ولی دانش اقتصادی آنها پایین بماند. این بحران فرصت خوبی است که با تجزیه و تحلیل‌های آن، دانش خوب اقتصادی را به جامعه منتشر کنیم و آنها را آگاه کنیم تا متوجه فعل و انفعالات پشت فعالیت‌های روزانه خود شوند و بدانند که چطور قیمت‌ها شکل می‌گیرند یا فرو می‌ریزند؟

**اقتصاد ایران:** آقای دکتر! آیا به اعتقاد شما اقتصاد کشور، به طور خاص در زمینه نفت و درآمدهای نفتی، از بحران مالی جهان متأثر خواهد بود؟  
مدتی است که نفت وارد بورس‌های جهانی شده و اوراق نفتی وجود دارد و حتی به پشتوانه نفت‌هایی که در آینده مورد مبادله قرار می‌گیرند، اوراق آتی چاپ شده است. یک بخش از افزایش قیمت نفت در ماه‌های گذشته، مربوط به حباب قیمتی بود که به عرضه و تقاضای بازارهای مالی بین‌المللی مربوط می‌شد. با شکستن این حباب، قیمت نفت کاهش یافت و روی اقتصاد ما اثر خواهد گذاشت. اما اگر بحران مالی جدید که جهان را درگیر خود کرده، وارد بخش تولید و اشتغال جهانی شود، با کاهش تقاضا برای انرژی، قیمت نفت بیش از پیش کاهش خواهد یافت. همان‌طور که روز یکشنبه تا جمعه هفته گذشته (اواسط مهر ماه)، در پی سقوط شاخص اوراق سهام، نفت به بشکه‌ای ۷۷ دلار نیز رسید که این کاهش قیمت، تنه اولیه بحران به تولید بود. اگر این بحران عمق بیشتری پیدا کند، روی قیمت نفت اثر بیشتری خواهد گذاشت. به طور کلی اقتصاد ایران از ناحیه قیمت نفت مستقیماً تحت تأثیر و آسیب‌پذیر است و با این کاهش قیمت، درآمد انتظاری ما نیز چندین میلیارد دلار کاهش خواهد یافت.

**اقتصاد ایران:** آیا با کاهش قیمت نفت، سیاست‌های اقتصادی دولت متأثر خواهند شد؟  
باید با دقت و هوشیاری با این پدیده برخورد کرد. با شتاب زدگی، و یا با بی‌خیالی، نباید برخورد کنیم.

**اقتصاد ایران:** نقش نفت را در شرایط جدید در بازی‌های سیاسی بین‌المللی چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
در هفته‌های اخیر، نفت زیادی روی دریا مانده و گویا چین به دنبال آن است که از موقعیت استفاده کند و این نفت را به قیمت ارزان بخرد. همین موضوع نشان‌دهنده پدیده جدیدی است که نشان می‌دهد این کشور هماهنگی لازم را با ۷ کشور صنعتی ندارد و اگر چنین اتفاقاتی بیفتد از شکل‌گیری اجماع مشترک در مقابله با بحران جلوگیری می‌کند. از طرفی، اگر این نفت روی دریا به فروش نرسد، عرضه از تقاضا جلو افتاده و قیمت نفت کاهش می‌یابد که این خود نشانه خوبی نیست.

**اقتصاد ایران:** آیا این بحران روی جنگ در عراق تأثیر دارد؟  
البته آمریکا روی افغانستان و عراق مسؤولیتی را پذیرفته است که برای او هزینه دارد و باید این هزینه‌ها را از مالیات تأمین کند. وقتی رکود حاصل شود مالیات‌ها کاهش می‌یابند و کاهش درآمد مالیاتی آمریکا، منجر به کاهش تعداد سربازان آمریکایی در عراق و افغانستان می‌شود. به عبارتی، این بحران به صورت غیرمستقیم آمریکا را وادار به عقب نشینی خواهد کرد.

**اقتصاد ایران:** اگر این بحران روی کشور ما اثر بگذارد، آیا در ۸ ماه آینده سیاست‌های داخلی ما تغییر خواهند کرد؟  
مثلاً آیا ممکن است چهره‌های کاندیداهای ریاست جمهوری عوض شود و جبهه‌های فکری جدیدی روی کار بیایند؟  
وضعیت اقتصادی، یکی از پارامترهای مهم تصمیم‌گیری مردم و جناح‌های سیاسی است و باعث تغییر و تحولات نظرات مردم در حوزه سیاسی خواهد شد. حال اگر این تغییرات مثبت باشند، روندهای گذشته تقویت می‌شوند و اگر این تغییرات منفی باشند، موجب تغییر در روندهای گذشته می‌شود و ممکن است روندهای جدیدی را شکل دهد.

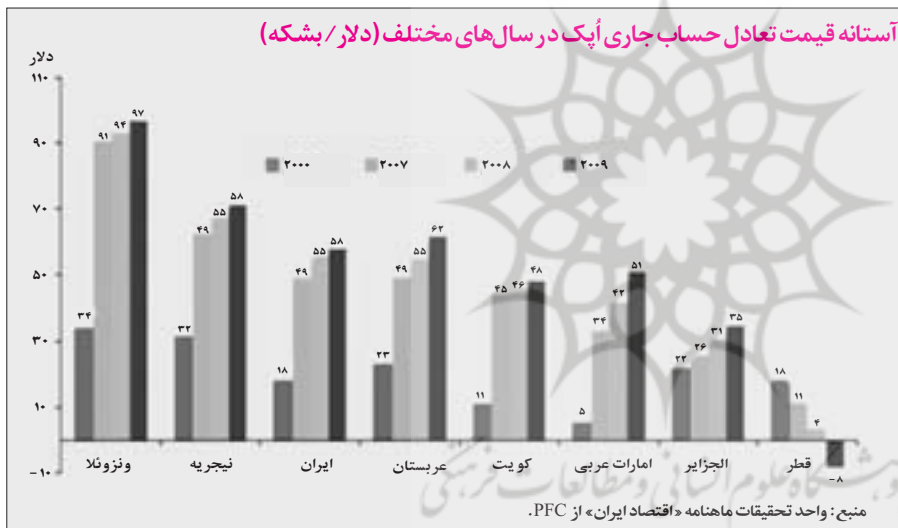
**اقتصاد ایران:** با توجه به مطالب فوق، وضعیت آینده سیاسی کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید و بفرمایید آیا خود حضرت‌عالی قصد اعلام نامزدی جهت پست ریاست جمهوری را دارید یا خیر؟  
وقوع بحران‌های مالی و انتقال آن به کشور می‌تواند به تحول در حوزه اقتصاد بینجامد که طبیعتاً بر فضای سیاسی نیز مؤثر است. این در حالی است که متأسفانه در کشور، نهادهای دموکراسی مثل احزاب قوی و توسعه‌یافته نداریم و باید از سازوکارهایی استفاده کنیم که این امر تحقق یابد. نظر من تشکیل یک دولت ائتلافی کارآمد و متعهد است که آدم‌های کارآمد و متعهد دور هم جمع شوند. حتی ممکن است تعدادی از این افراد هم نامزدهای انتخاباتی باشند. یک گروه ۳۰ یا ۴۰ نفره، از بین خود یکی را انتخاب کنند و همه نیز داخل کابینه دولت شوند که وقتی مردم به ارزیابی کابینه می‌پردازند، چهره ۵ کاندیدای انتخاباتی را در آن ببینند. این تحول، یعنی تشکیل دولت کارآمد، می‌تواند به امر توسعه شتاب بخشد. من خودم

به دنبال این مسأله هستم و در بین نخبگان سیاسی این امر را تشویق و ترغیب می‌کنم. البته باید بر این مبنا به توافق برسیم که چارچوب‌های دموکراتیک را می‌پذیریم و به آن تن می‌دهیم تا محصول انتخابات آینده، یک دولت کارآمد باشد. در غیر این صورت، قیافه دموکراسی گرفتن اما از مواهب دموکراسی استفاده نکردن، نمی‌تواند به توسعه یافتگی بینجامد.  
بنده بیش از آن که به دنبال طرح بحث کاندیداتوری باشم به دنبال این ایده هستم. دولت کارآمد، فردی نمی‌شود و فقط یک جمع می‌تواند این کار را انجام دهد

چشم‌انداز کشورهای عضو ایک از نگاه مؤسسه PFC

## در آستانه بی‌تعدالی

کاهش قیمت‌های جهانی نفت که یکی از نتایج بحران مالی اخیر آمریکا می‌باشد، خبر ناگواری است برای کشورهایی که متکی به درآمدهای نفتی هستند.



این کشورها برای آنان خطرناک باشد. از سال ۲۰۰۰، به جز قطر، آستانه قیمت (حداقل قیمتی که برای توازن تراز تجاری هر کشور مورد نیاز است) برای هر یک از کشورهای عضو ایک، با افزایش روبه‌رو بوده است. این افزایش‌ها انعکاس دهنده تورم بالاتر، فرسایش دلار آمریکا، مصرف داخلی بالاتر و از همه مهمتر، افزایش هزینه‌های دولت می‌باشد. لذا به وضوح می‌توان دریافت که کاهش قیمت نفت، کشورهای متکی به درآمدهای نفتی را با چالش‌های بزرگی مواجه خواهد کرد. این همان عاملی است که منجر به حمایت ایران، عربستان و ونزوئلا از افزایش قیمت نفت شده است.  
افزایش چشمگیر هزینه‌ها در عربستان از سال ۲۰۰۰، هنوز نتوانسته دولت عربستان را نسبت به افزایش ارزش‌های نفتی خود متقاعد کند و روند کسب درآمدهای بالاتر، علیرغم تأثیر شدید ذخایر این کشور بر هزینه‌های سرمایه‌گذاری ثابت، همچنان ادامه دارد. ◀

مؤسسه «پی‌اف‌سی انرژی» با بررسی شرایط اقتصاد کلان کشورهای عضو ایک در گزارشی بیان می‌کند که کلیه اعضای ایک، به منظور تراز کردن حساب جاری پرداخت خود نیازمند قیمت‌های بالاتر نفت هستند. برای سال ۲۰۰۸ ونزوئلا به منظور دستیابی به تراز حساب جاری، نیازمند دریافت قیمت هر بشکه نفت در حدود ۹۴ دلار می‌باشد، در حالی که این قیمت برای امارات در حدود ۴۲ دلار برای هر بشکه است. این قیمت در مقایسه با سال ۲۰۰۰ که ابوظبی به منظور تضمین ثبات اقتصاد کلان، تنها به قیمت هر بشکه ۵ دلار نیاز داشت، اختلاف شدیدی را نشان می‌دهد. در عین حال نیاز کشورهای الجزایر و قطر کمتر از این میزان، یعنی به ترتیب ۳۱ دلار و ۴۰ دلار در هر بشکه می‌باشد. این بررسی‌ها بیانگر این حقیقت تلخ است که کاهش قیمت‌های نفت که به نظر می‌رسد گزینه اول نفوذ بحران مالی آمریکا به اقتصاد کشورهای نفتی است، تا چه حد می‌تواند با تأثیر برتر از حساب جاری